

آیت‌الله نائینی و پارلمان

مهدی ترابیپور*

چکیده

دفاع میرزای نائینی از مشروطه در حقیقت، دفاع از اندیشه تشکیل یک نهاد مردمی به نام «مجلس» بود تا از این رهگذر، دامنه قدرت استبدادی پادشاه را محدود سازد. از این رو، نظام مشروطه از نظر میرزای نائینی، هرگز نظامی مطلوب و آرمانی نیست؛ چراکه باید معصوم علیه السلام در رأس حکومت باشد، اما در زمان غیبت، این منصب را فقهای جامع‌الشرایط، یعنی نواب عام، عهده‌دار می‌گردند. به همین دلیل، بجاست تحقیقی پیرامون ادله نائینی در دفاع از وجود مجلس در حکومت طاغوت صورت پذیرد. البته در گزارش دیدگاه‌های ایشان، باید بر روش توصیفی و در بررسی آنها بر روش عقلی و نقلی متمرکز شد، تا مشخص گردد مرحوم نائینی که شرایط تشکیل نظام آرمانی را محقق نمی‌دانست، به عنوان یک مجتهد اصولی، فقط دغدغه اصلی‌اش این بود که چگونه می‌تواند براساس اندیشه دینی و مقتضیات زمان، اصول نظری شیعه را تعمیم دهد. بر همین اساس، طبق دلایلی که ارائه نمود، مشروعیت مجلس شورای ملی در زمان طاغوت را پایه‌ریزی کرد.

کلیدواژه‌ها: پارلمان، مجلس، مشروطه، شورای ملی و فقیه.

مقدمه

اسلام از دیدگاه مرحوم نائینی می‌باشد. پیش از ورود به این بحث، توضیحاتی پیرامون پارلمان بیان خواهیم کرد و همچنین به سؤالاتی که ممکن است با توجه به در نظر گرفتن ویژگی‌ها و فضای حاکم بر مشروطه و مسائل پیرامون آن مطرح گردد، خواهیم پرداخت.

سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که از منظر مرحوم نائینی، ادله مشروعیّت بخش به تشکیل مجلس شورا در نظام طاغوت کدامند؟ پیش از ورود به این بحث، توضیحاتی درباره پارلمان بیان خواهیم کرد و همچنین به سؤالاتی مانند: رابطه مرحوم نائینی با مشروطیت چگونه است؟ نظر مرحوم نائینی در مورد ولایت فقیه در زمان غیبت معصوم علیه السلام چیست؟ شرایط مجلس شورای ملی از نظر مرحوم نائینی کدامند؟ خواهیم پرداخت.

پارلمان یا مجلس

در کشور ما کلمه «مجلس»، معادل واژه «پارلمان» در زبان انگلیسی است.^(۵) در حال حاضر، مجالس از ارکان اصلی بسیاری از حکومت‌های جهان هستند. ریشه پارلمان‌ها و مجالس مشابه آن به قرن‌های بسیار دور برمی‌گردد. حتی در زمان باستان هم، مراکزی مشابه مجالس امروزی وجود داشته است. اما مجالس امروزی براساس شرایط امروز جهان به وجود آمده و گسترش پیدا کرده‌اند.

مجالس امروزی بیشتر کشورها، از نظام حکومت پارلمانی الهام گرفته است. در این نظام، یکی از وظایف مجلس، قانون‌گذاری است. البته در این نظام، قوه مجریه هم می‌تواند برای قانون‌گذاری به مجلس کمک کند، منتها پیشنهادهای دولت باید به تأیید نمایندگان برسد. برای مثال، در ایران قوه مجریه به مجلس لایحه می‌دهد و وزرا می‌توانند با حضور در مجلس از لایحه‌هایشان دفاع کنند و

در میان مفاهیم و ارزش‌های انقلاب مشروطه، مجلس از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه پدیده‌های نوین سیاسی همچون ساختار قدرت، استبدادستیزی، مشارکت مردم، انتخابات و غیره در دموکراسی و بالطبع در وجود مجلس و نهاد قانون‌گذاری تبلور می‌یابد. با توجه به اهمیت مقوله قانون‌گذاری و تأثیر آن در رفتار و حیات سیاسی و اجتماعی مردم، بررسی جایگاه مجلس در اسلام، و ارتباط دین با قانون‌گذاری، ضروری جلوه می‌نماید؛ چراکه نگاه به مجلس با نگرش اسلامی، ماهیت قوانین، شیوه تصویب قوانین، محدوده، چارچوب قدرت مجلس و... را متمایز از دیگر افکار و اندیشه‌ها همچون لیبرالیسم و سوسیالیسم، می‌کند. در عصر مشروطه جریان فکری غالب، جریان اسلامی بود؛ از این رو، ایجاد حکومتی بر مبنای آموزه‌های دین اسلام، ناظر بودن نهاد شریعت بر تمامی نهادهای کشور، تصویب قوانین با توجه به اصول دینی اسلام، تأکید بر استقلال و رفع استعمار و شناخت عمیق از سنت‌ها و آموزه‌های دینی، از دغدغه‌های اصلی برجسته‌ترین^(۱) متفکران جریان اسلامی به شمار می‌رفت.

اکثر تحقیقاتی که پیرامون نظرات مرحوم نائینی وجود دارد در مباحث مشروطه مطرح گردیده است و آن دسته که به صورت مجزا به نظرات ایشان پرداخته‌اند بیشتر به منظور برطرف کردن کج‌فهمی برخی، در نظرات ایشان بوده است؛ مثل مقاله «جامعه مدنی و میرزای نائینی»،^(۲) که درصدد بیان عدم تهافت بین جامعه ولایی و جامعه مطلوب نائینی می‌باشد. برخی نیز اندیشه‌های سیاسی ایشان را مورد واکاوی قرار داده‌اند؛ مثل «مروری بر اندیشه سیاسی نائینی»،^(۳) و «اندیشه سیاسی نائینی».^(۴) اما هدف اصلی این نوشتار بیان ادله فقهی پارلمان در

نائینی شاگردان بسیاری تربیت نمود که تعدادی از آنان از مراجع تقلید به شمار می‌رفتند. او از آغاز دگرگونی‌ها و روشنگری‌هایی که به نهضت مشروطه انجامید، با آیت‌الله میرزای شیرازی رهبر جنبش و سید جمال‌الدین اسدآبادی رهبر روشنگران و نواندیشان تاریخ معاصر در ارتباط بود. پیشینه مبارزات و تفکر ضداستبدادی وی، به دوران مرجعیت میرزای شیرازی برمی‌گردد. او از نزدیک با اندیشه‌های ضداستبدادی و آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی ایشان آشنا بود و دوستی مرحوم نائینی با سید جمال‌الدین اسدآبادی، که از همان دوران تحصیل در اصفهان آغاز شده بود، تا سال‌های آخر عمر سید ادامه داشت و موجب آگاهی ژرف وی از مسائل گوناگون دنیای اسلام گردید.

مشروطه

عدالت‌خانه و مشروطه طرحی بود که با استفاده از اندیشه سیاسی تشیع شکل گرفت؛ از این رو، می‌توانست موضع‌گیری سلبی و خاموش و منفعلانه جامعه شیعی را که بر گسل دولت و ملت دامن می‌زد به سوی رفتاری فعال و رقابت‌آمیز هدایت کند و راه کارهای حضور و مشارکت مردم را در بخش‌هایی از فعالیت‌های اجتماعی تأمین نماید. در پرتو این طرح بود که در شرایط قابل دسترس نبودن نظام آرمانی، تلاش برای تحقق مشروطه مشروعه یک وظیفه دینی، مشروع و بلکه لازم شمرده می‌شد.^(۸)

در مورد مشروطه دو قرائت وجود دارد: اولین قرائت، همان توضیحی است که بیان شد؛ یعنی جنبشی که ناشی از کوشش فقیهانه برای تأمین حضور دیانت در عرصه سیاست بود. صاحبان آن نظر، چون حذف کامل استبداد و تحقق حاکمیت آرمانی دینی را ممکن نمی‌دیدند، کوشیدند تا از طریق عدالت‌خانه تا آنجا که می‌توانند

این لوايح در صورت تصویب مجلس شکل قانونی پیدا می‌کنند و قابل اجرا می‌شوند. پس از آنکه قانونی تصویب شد، پارلمان برای اجرای تمام و کمال آن بر قوه مجریه نظارت می‌کند. همچنین از آن‌رو که نمایندگان پارلمان از سوی مردم انتخاب می‌شوند، می‌توانند بر همه کارهای قوه مجریه نظارت کنند و از راه سؤال و استیضاح وزرا و تشکیل کمیسیون‌های تحقیقاتی و یا نهادهای نظارتی، مثل دیوان محاسبات، بر کار دولت نظارت کنند. حتی مجلس می‌تواند به رئیس دولت و یا وزرا، رأی عدم اعتماد بدهد و موجب سقوط دولت شود.

پارلمان در هر کشوری نام خاصی دارد؛ در ایران، «مجلس شورای اسلامی»، در ایالات متحده آمریکا «کنگره»، در روسیه «دوما» و در چین «کنگره ملی خلق» نامیده می‌شود.

زندگی‌نامه آیت‌الله نائینی

محمدحسین نائینی از خاندان معروف روحانی نائین در سال ۱۲۷۳ یا ۱۲۷۷ق به دنیا آمد. پدرش میرزا عبدالرحیم و پدربزرگش حاج میرزا محمدسعید، یکی پس از دیگری شیخ‌الاسلام نائین بودند. از مشهورترین استادان وی در فقه و اصول، می‌توان به آیات عظام آقا میرزا محمدحسن نجفی و حاج شیخ محمدباقر اصفهانی والد علامه بزرگ آقا شیخ محمدتقی اصفهانی نجفی معروف به آقانجفی، از روحانیان بانفوذ اشاره کرد.^(۶)

به گفته برخی از معاصران، آیت‌الله نائینی پس از درگذشت آیات عظام آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب *عروة الوثقی* و آخوند خراسانی و نیز آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی، از مشهورترین مراجع تقلید و مبرزترین فقهای زمان خود گردید و به عنوان بزرگ‌ترین مجتهد وقت، مقام ریاست عامه را احراز کرد.^(۷) میرزای

مشخص گردد که آیا حکومت مطلوب به دیده او همان نظام پارلمانی و دموکراسی دینی است که در کتاب *تنبیه الامه* مطرح می‌کند؟ و یا اینکه اساساً نائینی همان‌گونه که اشاره شد، به طرح حکومت مطلوب خویش نپرداخت و در *تنبیه الامه* به بررسی حکومت مطلوب ممکن توجه کرده است؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که نظام مشروطه از نظر *میرزای نائینی*، هرگز نظامی مطلوب و آرمانی نمی‌باشد. از این رو، آن را گاه حکومت «قدر قوه» و گاه «قدر مقدور» می‌داند؛^(۱۱) یعنی نظامی که به دلیل شرایط خاص دوران مشروطه و محدودیت‌های عصر قاجار، به‌ناچار به آن رضایت داده شده است. ایشان ضمن نقل خوابی از زبان حضرت حجت‌الاسلام^(ع)، در مورد مشروطه چنین حکایت می‌کند: مشروطه مثل آن است که کنیز سیاهی را که دستش هم آلوده باشد، به شستن دست وادارش نمایند. سپس خود این تشبیه را می‌ستاید و در تفسیر آن می‌نویسد: «سیاهی کنیز اشاره به غصبت اصل تصدی، و آلودگی دست اشاره به همان غصب زاید، مشروطیت چون مزیل آن است، لهذا به شستن ید غاصبانه تشبیهش فرموده‌اند.»^(۱۲)

دفاع *میرزای نائینی* از مشروطه در حقیقت، دفاع از اندیشه تشکیل یک نهاد مردمی به نام «مجلس» می‌باشد تا از این رهگذر، دامنه قدرت استبدادی پادشاه را محدود سازد. البته مجلس مورد نظر *نائینی* یک مجلس صددرصد اسلامی و مشروع است. بنابراین، مرحوم *نائینی* با تدابیر خاصی سعی کرده است راه‌های تخلف مجلس از موازین شرع را مسدود نماید.

بنابراین، هرگز نمی‌توان گفت حکومت مطلوب *میرزای نائینی* حکومت سلطنتی مقید به رأی نمایندگان مجلس می‌باشد، بلکه باید دید در شرایط عادی و پس از

استبداد را به عمل در چارچوب شروط و قیود دینی مقید و مشروط گردانند. نظریه پردازان آن تئوری، گرچه لفظ «Constitution» و یا «Constitutional government» را برای مقصود و مطلوب خود نپذیرفتند، لکن به لفظ مشروطه رضایت دادند. این حرکت اصلاح طلبانه در رقابت با حرکت دیگری که به موازات آن شکل گرفت، از تداوم باز ماند و به شکست انجامید. حرکت دیگر، یعنی قرائت دوم، همان جریانی بود که به دنبال تحقق یک نظام سکولار و شبه غربی بود. این حرکت رقیب، مشروطه را از لفظ «Chart» می‌گرفت که به فرانسه «شارت» تلفظ می‌شد و در ترکیه عثمانی از نظر به آن لفظ، مشروطه درست شده بود تا این لفظ بر نظام‌هایی دلالت کند که صاحب مجلس بودند؛ نظام‌هایی که مجلس در آنها مرکز تدوین و جعل قوانین صرفاً بشری بودند و هیچ تعهدی برای تنظیم و تدوین قوانین بر اساس احکام و قواعد دینی و الهی نداشتند. و همین جریان بود که مانع از قرار دادن لفظ «اسلامی» در کنار مجلس شورا شد.^(۹)

مرحوم *نائینی* بر اساس اندیشه سیاسی خویش که از اندیشه فقهی-کلامی او برآمده بود، نظامی آرمانی در ذهن داشت؛ امان نظامی را طراحی کرد که با شرایط حاکم بر عصر مشروطه متناسب باشد. او با استفاده از آیات و روایات عدیده، سعی داشت تا ارکان و اصول مشروطیت را مأخوذ از اسلام و به ویژه مطابق با عقاید شیعه دوازده امامی نشان دهد. یکی از این ارکان بسیار مهم، مجلس شورا است. وی در این مقوله، به شکل چشم‌گیری به دنبال محدود کردن حکومتی است که از جهات گوناگون حکومت الهی را غصب کرده، و همراه با محدود کردن سلطه آن، درجات پایینی از مشروعیت را نیز می‌یابد.^(۱۰) پیش از وارد شدن به بررسی ادله فقهی *نائینی* در مورد مجلس و مشروعیت آن در زمان طاغوت، لازم است

رفع اضطرار، مرحوم نائینی چه الگویی را برای روابط حاکم بر جامعه برتر می‌داند. آنچه مسلم است، وجود معصوم علیه السلام در رأس حکومت آرمانی می‌باشد و در زمان غیبت قدر متیقن، فقیه جامع الشرایط، یعنی نواب عام، این منصب را بر عهده می‌گیرد.

نائینی و ولایت فقیه

برای آشنایی با دیدگاه نائینی درباره ولایت فقیه، باید از اثر کم‌نظیر وی، یعنی **تنبيه الامه سراغ گرفت**، گرچه در **منية الطالب فی شرح المكاسب و المكاسب و البيع** ^(۱۳) نیز مطالبی را در این زمینه بیان فرموده است.

وی در کتاب **تنبيه الامه** چنین می‌نویسد: از جمله قطعیات مذهب ما طایفه امامیه این است که در این عصر غیبت (علی مغیبه السلام) آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن حتی در این زمینه معلوم باشد، وظایف حسبیه نامیده و نیابت فقهای عصر غیبت را در آن، قدر متیقن و ثابت دانستیم، حتی با عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام، بلکه اهمیت وظایف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامیة از تمام امور حسبیه از اوضاع قطعیات است، لهذا ثبوت نیابت فقیها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظایف مذکوره از قطعیات مذهب خواهد بود. ^(۱۴)

کوتاه سخن آنکه نائینی در **تنبيه الامه**، ولایت فقیه را از راه امور حسبه، جزء قطعیات مذهب می‌داند. در **منية الطالب** ^(۱۵) ولایت را در محدوده قضا و افتاء ثابت می‌بیند، اما برای اثبات ولایت عامه فقیه دلیل قابل استناد و قطعی نمی‌یابد. در **المکاسب و البيع** ^(۱۶) مبنایی بحث می‌کند؛ اگر مقبوله عمرین حنظله را دلیل ولایت عامه یافتیم، ولایت مطلقه فقیه اثبات می‌شود، در غیر این صورت، ولایتش در باب افتاء و قضاء و امور حسبیه

منحصر خواهد بود.

به نظر می‌رسد نائینی در **منية الطالب و المكاسب و البيع** به بررسی ادله ولایت فقیها پرداخته و به همین مقدار نیز بسنده کرده است. از این رو، وی در کتاب **تنبيه الامه** که متأخر از مابقی آثار نائینی محسوب می‌گردد، درصدد بیان نظرات سیاسی اسلام است و به عبارت دیگر، **تنبيه الامه** در حقیقت تکمیل‌کننده بحث **منية الطالب و المكاسب و البيع** است. از این رو، مشخص می‌شود که در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام حکومت مطلوب وی، حکومت نواب عام، یعنی حکومتی بر پایه ولایت فقیه می‌باشد که از طریق امور حسبیه آن را ثابت، قطعی و از مسلمات مذهب می‌داند.

نائینی و مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی، از نگاه مرحوم نائینی، در حقیقت، مجمع رسمی رسیدگی به عملکرد دولت و اجرای قانون اساسی می‌باشد که از ویژگی‌ها و وظایف زیربرخوردار است: - از مجموعه‌ای از عقلا و دانایان و خیرخواهان مملکت تشکیل می‌شود که اعضای آن باید از اوصافی همچون کاردانی در امور سیاسی و مملکت‌گردانی، بی‌غرضی و بی‌طمعی، شجاعت و غیرت ملی و دینی و آگاهی به مقتضیات زمان برخوردار باشند؛ ^(۱۷)

- آنها موظفند بر نحوه عملکرد دولت در وظایفی که به آن محول شده، از طریق حساب‌رسی و مراقبت مدام نظارت داشته باشند؛ ^(۱۸)

- باید از تعدی و تجاوز نهادهای دولت از اختیارات خویش جلوگیری کرده، از خیانت‌های محتمل در امانت ولایت و حکومت ممانعت نمایند؛ ^(۱۹)

- نمایندگان مجلس به نوبه خود نیز، باید تحت نظارت و مراقبت مردم باشند و از سوی ملت مورد سؤال واقع شوند. ^(۲۰)

قید شریعت بر آن، عدم مخالفت با احکام منصوص شارع است و از این رو، شارع مقدس در قسم دوم، ایجاباً حکمی ندارد، بلکه حکمش سلبی است و مرجع تشخیص عدم مخالفت قوانین غیرمنصوص با منصوص هم، مجتهد است.^(۲۷)

ادله فقهی مجلس

اسلام دینی جامع و کامل از هر حیث می‌باشد. تنها به واسطه همین جامع‌نگری و اعتقاد به جامعیت دین بوده است که نائینی سعی نموده تمامی آرمان‌های مشروطیت را از منابع دینی استخراج کند. بنابراین، وی به عنوان یک مجتهد اصولی، دغدغه اصلی‌اش این بوده است که چگونه می‌توان براساس اندیشه دینی و مقتضیات زمان، اصول نظری شیعه را تعمیم داد. در واقع، وی شریعت را در حل مشکلات جوامع بشری، کامل و قادر می‌دانست و در همین زمینه، برای حل مسائل خود، یعنی استبداد و توجیه دینی اصول مشروطیت، سعی می‌نمود از تمامی منابع اسلامی استفاده کند. در نتیجه، دلایل زیر را می‌توان جهت رسمیت و مشروعیت دینی مجلس شورا، از دیدگاه نائینی بیان و آنها را به دو گروه تقسیم کرد؛ گروهی که در همه مواقع، یعنی چه در سلطنت استبدادیه و چه در حکومت ولایتیه، برای اثبات وجود مجلس در سلطنت یا حکومت قابل استناد می‌باشد. و گروه دیگر از این ادله، فقط مخصوص به شرایط و زمان مشروطه، که سلطنت استبدادیه است، می‌باشد و موضوعیت پیدا می‌کند.

آیه «و شاورهم»

مرحوم نائینی، مشورت و مشارکت مردم در تصمیمات مهم عمومی در حوزه امور غیرمنصوص و عمل به رأی اکثریت را با توجه به آیات قرآن و سیره پیامبر ﷺ از

از منظر میرزای نائینی، سستی و تعلل در دستگاه نظارتی کشور - چه نظارت بر قوه مجریه و چه قوه مقننه - به بازگشت مجدد استبداد، و از بین رفتن ماهیت ولایی و امانی حکومت منجر خواهد شد؛ از این رو می‌نویسد: «فتور در هریک از این دو مسئولیت، موجب بطلان محدودیت و تبدل حقیقت ولایت و امانت به همان تحکم و استبداد متصدیان خواهد بود. در صورت انتفای مسئولیت اولی،^(۲۱) و یا به تحکم و استبداد هیأت مبعوثان، در صورت انتفای مسئولیت ثانیه^(۲۲)». ^(۲۳)

او در مورد منشأ مشروعیت نظارت مجلس شورای ملی بر عملکرد قوه مجریه می‌گوید: مشروعیت مراقبت مجلس «بنا بر اصول اهل سنت و جماعت که اختیارات اهل حل و عقد امت را در این امور^(۲۴) منبع دانسته‌اند، به نفس انتخاب ملت متحقق» می‌شود.^(۲۵) سپس بیان می‌دارد: از آنجا که طبق دیدگاه شیعه حق قانون‌گذاری و حکومت، از آن فقهای جامع‌الشرایط در عصر غیبت می‌باشد، عبور مصوبات مجلس از فیلتر مجتهدان عادل ضروری است تا از این رهگذر مشروعیت مصوبات و نظارت‌ها و دخالت‌های نمایندگان ملت محقق شود.^(۲۶)

نائینی برای نشان دادن جایگاه شورا و حکومت بر پایه مشورت خود، قانون را به دو قسم تقسیم می‌کند و معتقد می‌شود که شورا در قسم دوم، جاری و ضروری است: اول، قوانین منصوص که حکمش در شریعت، مضبوط است و با اختلاف زمان و مکان تغییر نمی‌کند و از این رو، باید تعبداً به آن عمل شود. دوم، قوانین غیرمنصوص یا قوانین عرفی که عقلای هر زمان و مکان به واسطه مقتضیات زندگی سیاسی - اجتماعی خود و بر «اساس نوعیات خود»، آن را وضع می‌نمایند. شارع مقدس این مقررات را به واسطه تابع مقتضیات زمان و مکان بودن، تحت ضابطه مشخص نیاورده است و تنها

اسلامی «شورا» امکان تحقق می‌یابد. در واقع، لزوم پیروی از رأی اکثریت در مجلس شورا، نشانگر این است که شریعت، حقوق سیاسی مردم مسلمان را تا حدی که با معتقدات و ارزش‌های آنها مخالفت نداشته باشد، به رسمیت می‌شناسد.

امر به معروف و نهی از منکر

دومین اصلی که از مباحث نائینی برای لزوم تشکیل مجلس شورای ملی استفاده می‌شود، فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» است. وی استدلال می‌کند: حال که دست امت از دامان عصمت کوتاه و مقام ولایت و نیابت نواب عام در اقامه وظایف مذکوره هم مغضوب و انتزاعش غیرمقدور است،^(۳۰) بنابراین، تنها راه برای جلوگیری از ظلم مضاعف، یعنی تجاوز به حقوق مردم، عمل به تکلیف نهی از منکر است. «در باب نهی از منکر بالضرورة من الدین معلوم است که چنانچه شخص واحد فرضاً در آن واحد منکرات عدیده را مرتکب شود، ردعش از هریک از آنها، تکلیفی است مستقل و غیرمرتبط به تمکن از ردع و منع از سایر آنچه که مرتکب است.»^(۳۱)

مرحوم نائینی برای حق مشارکت مردمی در امور سیاسی، به اصل تکلیفی «نهی از منکر» اشاره نموده و برای مردم حق مراقبت و نظارت سیاسی قایل می‌شود.^(۳۲)

به هر تقدیر، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه نائینی، حکایت از مسئولیت اجتماعی مسلمانان دارد و اگر مردم در «جامعه سیاسی اسلامی» حق تصرف و دخالت در مقدرات سیاسی خود را نمی‌داشتند، هرگز مکلف به چنین وظیفه خطیری، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، نمی‌شدند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه مرحوم نائینی، حق و تکلیف ملازم هم هستند؛ یعنی مردم به واسطه «امر به معروف و نهی از منکر» مکلفند

بدیهیات و ضروریات می‌شمارد: «دلالت آیه مبارکه ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران: ۱۵۹) که عقل کل و نفس عصمت را بدان مخاطب و به مشورت با عقلای امت مکلف فرموده‌اند بر این مطلب، در کمال بداهت و ظهور است؛ چه بالضرورة معلوم است مرجع ضمیر جمیع نوع امت و قاطبه مهاجرین و انصار است نه اشخاص خاصه، و تخصیص آن به خصوص عقلا و ادبا به حل و عقد، از روی مناسبت حکمیه و قرینه مقامیه خواهد بود و نه از باب صراحت لفظیه و دلالت کلمه مبارکه ﴿فِي الْأَمْرِ﴾ که مفرد محلی و مفید عموم اطلاقی است، بر اینکه متعلق مشورت مقرر در شریعت مطهره کلیه امور سیاسیه است هم در غایت وضوح و خروج احکام الهیه - عز اسمه - از این عموم از باب تخصص است نه تخصیص. لکن دلالت ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ (شوری: ۳۸) بر آنکه وضع امور نوعیه بر آن است که به مشورت نوع برگزار شود، در کمال ظهور است.^(۲۸)

کتاب سیره پیامبر ﷺ مشروحاً متضمن و موافقت آن حضرت با آرای اکثر به جایی منتهی بود که حتی در غزوه احد... چون اکثریت آراء بر خروج مستقر بود، از این رو با آنان موافقت و آن همه مصایب جلیله را تحمل فرمود.»^(۲۹)

میرزای نائینی با توجه به قوانین و امور غیرمنصوص، به اساس حکومت اسلامی اشاره نموده و مشارکت عمومی را ضروری و تبلور عینی آن را مجلس شورای ملی می‌داند.

بنابراین مرحوم نائینی، زبان دین را تنها تکلیف و تعبد (احکام منصوص) نمی‌داند، بلکه قوانین و احکام غیرمنصوص نیز به واسطه اصولی مثل «اصل شورا» که از احکام منصوص و از ضروریات دین است، مشروع و لازم‌الاجرا هستند. بدین ترتیب، کلیدی‌ترین نهاد حکومتی (قوة مقننه) با توجه به اصل منصوص و مسلم

آزادی و مساوات مردم در اسلام به حقوق طبیعی آنها برمی‌گردد و حتی از مسلمات و ضروریات شریعت و حکومت اسلامی محسوب می‌شود. (۳۵)

اساس ولایتیه و عادلانه بودن نحوه سلطنت، چه آنکه به حق تصدی شود یا به اغتصاب، به آن دو اصل طیب و طاهر - حریت و مساوات - مبتنی، و حفظ شورویت و محدودیت و سایر مقدماتش هم به ترتیب دستور اساسی (۳۶) و عقد مجلس شورای ملی متوقف است. (۳۷)

بنابراین، اساس و لازمه حکومت شورویه، منوط به وجود قانون است، و این قانون باید قانونی باشد که تمام افراد جامعه را در مقام اجرا، در برابر آن مساوی بداند.

هر حکمی که به هر موضوع و عنوانی به طور قانونیت و بر وجه کلیت مرتب شده باشد، در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت اجرا شود. (۳۸)

لازمه وجود چنین قانونی که حق آزادی و مساوات ملت را رعایت کرده باشد و در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت باشد، وجود مجلسی است که بتوان چنین قانون و دستور عملیه‌ای را از آن استخراج کرد و به عنوان یک قانون در جامعه اجرا کرد.

قابل ذکر است که نائینی دقیقاً از آزادی درک دینی داشت و مراد او هم، چیزی جز رهایی از قید رقیت جباران و تساوی مردم با زمامداران نبود. (۳۹)

حفظ نظام و بیضه اسلام

محور نظری دیدگاه‌های نائینی در خصوص «مجلس شورای ملی»، حول حفظ نظام دور می‌زند. از دیدگاه وی، سلطنت مشروطه عبارت است از ولایت بر اقامه وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت نه مالکیت. (۴۰) و نیز علت تبعیت از قوانین غیرمنصوص و منصوص، به واسطه حفظ نظام است: دستورات تفصیله هم یا سیاستی است عرفیه

که از حق سیاسی در امور عمومی خود دفاع کنند و این حق نیز در چهارچوب همین اصل به وجود آمده است.

مقدمه واجب

مقدمه واجب از قواعد بسیار مهم «اصول الفقه» است که فقها در موارد بسیاری به آن تمسک می‌کنند. بر طبق این اصل، اگر تحقق واجبی منوط به مقدمات و امور دیگری باشد، آن مقدمات «به تبع»، وجوب شرعی می‌یابد.

نائینی در این باره می‌فرماید: اگر اقامه واجبی هم بر تشکیل مجلس، متوقف شود، لا محاله عقلاً لازم‌العمل و بالعرض واجب خواهد بود؛ هرچند در اتصاف، مقدمه واجب را به وجوب شرعی استقلالاً هم قابل نباشیم؛ چه بالضرورة توقف واجب بر آن، عقلاً موجب لزوم اتیان است و این مقدار از لزوم مقدمه، فیما بین تمام علمای اسلام، مورد اتفاق و از ضروریات است. (۳۳)

به دنبال آن، نائینی نتیجه می‌گیرد که تدوین قانون توسط نمایندگان مردم، چون متضمن تحدید استبداد و جلوگیری از ظلم فرمان‌روایان می‌باشد، پس واجب است و برای رسیدن به این واجب، مقدمه‌ای لازم است و آن، تشکیل مجلسی است که چنین قانونی را تدوین کند؛ در نتیجه، تشکیل مجلس از باب مقدمه واجب، واجب می‌گردد. بنابراین، از دیدگاه مرحوم نائینی، هر مقدمه یا مقدماتی که قدرت استبداد را مهار نموده و موجب تحقق حکومت شورویه شود، به حکم این قاعده فقهی واجب است. بدین ترتیب، مشارکت مردم در انتخاب نمایندگان مجلس و نیز رأی اکثریت این نمایندگان برای تصویب قوانین غیرمنصوص، مشروعیت می‌یابد. (۳۴)

آزادی و مساوات

به خلاف دیدگاه رایج در غرب، در اندیشه نائینی مبنای

که حفظاً للنظام مقدر شده. (۴۱)

حفظاً هم مشعر به آن است...» (۴۳)

اما آنچه که مهم است، برداشت سیاسی مرحوم نائینی از این قاعده اصولی و عقلایی است. و آن، همان لزوم تشکیل مجلس شورای ملی می‌باشد؛ چراکه در دوران امر بین نظر اکثریت، یعنی مردم، و نظر اقل، یعنی حکومت استبدادیه، برای ترجیح عقلایی این اکثریت بر اقل، راه کاری لازم است که جز از طریق مجلس شورای ملی محقق نمی‌گردد؛ زیرا اعضای این مجلس، وکلا و نمایندگان اکثریت مردم هستند که نظرات آنان در مصوبات این مجلس نمایان است. البته بدیهی است که نظر اکثریت، چه در حکومت استبدادیه و چه در حکومت ولایتیه، در مواردی که شرع مقدس اسلام اجازه داده است ترجیح دارد.

قاعده تلازم

این قاعده تحت عنوان «کلما حکم به العقل حکم به الشرع» بین اصولیان مشهور است، و دلالت بر عدم تعارض بین حکم عقل و شرع دارد و بدین ترتیب، عقل به عنوان یکی از «منابع احکام» تلقی و در فقه شیعه، با ضوابطی پذیرفته شده است. مرحوم نائینی برای اثبات شرعی قوانین عرفی که توسط نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای ملی تدوین شده است، استدلال می‌کند: «حتی منکرین تمام شرایع و ادیان نیز احکام عقلاییه که لازمه نشئه بشریت و مایه تمیز از حیوانیت است و به اختلاف قدرت و عجز و اختیار و اضطراب، و دارایی و ندارایی، و تمیز و عاقل بودن و نبودن و امثال ذلک، از مستقلات عقلیه مختلف است، لا محاله دارند.» (۴۴)

بنابراین، برای رسیدن به حکم عقلا و استفاده از آن حکم، لازم است ابتدا، عقلا در مکانی جمع گردند و در آنجا به شور و گفت‌وگو پردازند تا اینکه ماحصل

قاعده «حفظ بیضه اسلام» نیز عبارت آخری «حفظ نظام» است، با این فرق که اولی، به سیاست‌های خارجی حفظ دارالاسلام از اجانب و دشمنان خارجی مربوط می‌شود و دومی به سیاست‌های داخلی مرتبط است و از این رو، کلیه مقدمات و تدابیری که برای محدود نمودن استبداد و ظلم به مردم در داخل تدارک می‌شود، از باب «حفظ نظام» مطاعند؛ اما شاید بتوان گفت که اهمیت «حفظ نظام» از دیدگاه نائینی، نسبت به «حفظ بیضه اسلام» تقدم رتبی دارد و از این رو، از اهمیت بیشتری هم برخوردار است؛ چراکه استبداد داخلی زمینه‌ساز نفوذ و تعدی استعمار خارجی است.

بنابراین، اگر «مجلس» مستقر شود، نظام سیاسی از ثبات داخلی برخوردار خواهد شد و دشمنان خارجی چشم طمع و تجاوز به دارالاسلام پیدا نخواهند کرد. در نتیجه، اصل «حفظ نظام» اقتضا می‌کند که کشور براساس قوانین عرفی که توسط نمایندگان منتخب مردم تدوین می‌گردد، اداره شده و حکومت از استبدادیه به ولایتیه مبدل شود.

بدیهی است که تحول سلطنت جائره غاصبه از نحوه ظالمه اولی به نحوه عادلانه ثانیه، علاوه بر تمام مذکورات، موجب حفظ بیضه اسلام و صیانت حوزه مسلمین است از استیلائی کفار، از این جهت از اهم فرایض است. (۴۲)

قاعده اکثریت عندالدوران

به نظر نائینی و همه اصولیان، اگر مسئله‌ای بین اقل و اکثر دایر شد، اخذ به اکثر، عقلاً ترجیح دارد؛ «اخذ به ترجیحات است عندالتعارض، و اکثریت عندالدوران، اقوای مرجحات نوعیه و اخذ طرف اکثر عقلا، ارجح از اخذ به شاذ است و عموم تعلیل وارد در مقبوله عمرین

منافع آنها عمل کرده و جلوی خودسری‌های حکام ایستادگی می‌کنند. (۴۶)

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه مهم‌ترین مسئله پیشروی نائینی «استبداد» بود؛ از این‌رو، ایشان با سلطنت مطلقه، سلطان جائز و «شاه‌پرستی» از ریشه و بنیان مخالف بود. از این حیث، وی به‌ناچار به طرف بدیل سلطنت استبدادی، یعنی حکومت شوروی و مردمی که با تشکیل مجلس شورای ملی محقق می‌شد، تمایل می‌یابد. قوانینی که در این مجلس تصویب می‌شود، قوانینی است که شارع مقدس ایجاباً حکمی در مورد آنها ندارد و به صورت غیرمنصوص‌اند و یا قوانین عرفی‌ای هستند که عقلائی هر زمان و مکان به واسطه مقتضیات زندگی سیاسی - اجتماعی خود و بر «اساس نوعیات خود»، آن را وضع می‌نمایند؛ از این‌رو، تنها قید شریعت بر آنها، عدم مخالفت با احکام منصوص شارع است. (۴۷) این قوانین در مجلسی مشروعیت خود را کسب می‌کند که طبق آیه شریفه ﴿وَسَأَوْزُهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ و فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اصولی همچون مقدمه واجب، آزادی و مساوات در حقوق طبیعی، دفع افسد به فاسد، حفظ نظام و بیضه اسلام و قواعد تلازم و اکثریت عندالدوران، ثابت و موجودیت و مشروعیت خود را به دست آورده است. و این موارد را می‌توان به عنوان ادله مجلس در اسلام مطرح کرد؛ منتها برخی از این ادله مختص به شرایط و فضای زمان مشروطه بوده است؛ مثل دفع افسد به فاسد یا اکثریت عندالدوران. و در زمان حکومت معصوم یا نواب عام که حکومتی مشروع و ولایتیه است، چنین ادله‌ای موضوعیت خود را از دست داده و مطرح نمی‌گردد.

مذاکرات آنها حکمی عقلائی گردد و چنین مکانی همان مجلس شورایی است که این عقلا در آنجا جمع می‌گردند. پس همان‌گونه که مشروعیت قوانین عرفی منتخبان در مجلس، طبق این قاعده اثبات می‌گردد، لزوم تشکیل چنین مجلسی نیز اثبات می‌گردد؛ چراکه لازمه رسیدن به حکم عقلا وجود مجلس عقلا می‌باشد.

اصل دفع افسد به فاسد

مرحوم نائینی کتاب خود را این‌گونه نام می‌نهد: «تنبيه الامه و تنزيه الملة في لزوم مشروطية الدولة المنتخبة لتقليل الظلم على افراد الامه و ترقية المجتمع»؛ یعنی علت غایی تألیف خود را دفع افسد به فاسد و تقلیل ظلم مضاعف قرار می‌دهد. (۴۵)

حال که از اصل حکومت‌گزینی نیست و دست ما هم از حکومت معصوم کوتاه است تا حکومت را به صاحب اصلی آن واگذار نماییم و نیز در تمامی حکومت‌ها به نوعی غصب و ظلم نهفته است؛ بنابراین، حکومت شوروی، یعنی دارای مجلس شورا، نسبت به استبدادیه ترجیح دارد؛ چراکه دست‌کم در شوروی فقط یک غصب (غصب ولایت سیاسی معصوم) وجود دارد و از این‌رو، به دلیل قاعده «دفع افسد به فاسد» سلطنت ولایتیه از باب «ضرورت» و اکل میته، مشروع است.

بدین ترتیب، حقوق سیاسی مردم و نیز رأی آنها، «مشروعیت ثانیاً بالعرض» می‌یابد؛ چراکه اصل حکومت غصبی است، ولی ضرورتاً مشروعیت دارد. به عبارت دیگر، حال که حکومت غصبی است، نباید به حکام اجازه داد که اعمال جائزانه نیز مرتکب شوند. بدین ترتیب، نائینی حکومت با مشارکت مردمی را نسبت به اشکال دیگر حکومت ترجیح می‌دهد؛ چراکه حداقل در آن ظلم مضاعف وجود ندارد و نمایندگان منتخب مردم در جهت

- ۳۴- ر.ک: همان.
- ۳۵- ر.ک: همان، ص ۹۹.
- ۳۶- قانون اساسی.
- ۳۷- ر.ک: همان، ص ۹۶.
- ۳۸- همان، ص ۱۰۱-۱۰۲.
- ۳۹- حسین آبادیان، **مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه**، ص ۶۶.
- ۴۰- محمدحسین نائینی، **تنبيه الامة و تنزیه الملة**، ص ۴۴.
- ۴۱- همان، ص ۱۰۴.
- ۴۲- همان، ص ۸۱.
- ۴۳- همان، ص ۱۱۵.
- ۴۴- همان، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.
- ۴۵- سید نورالدین جزایری شریعتمدار و غلامحسین مقیمی، «حقوق سیاسی مردم در اندیشه محقق نائینی»، **علوم سیاسی**، ش ۱۰، ص ۱۱۸.
- ۴۶- همان.
- ۴۷- مرجع تشخیص عدم مخالفت قوانین غیرمنصوص با منصوص هم، مجتهد است.
- منابع**
- آبادیان، حسین، **مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه**، تهران، نی، ۱۳۷۴.
- آریانپور کاشانی، عباس منوچهر، **فرهنگ دانشگاهی**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- پارسانیا، حمید، «از میرزای نائینی تا امام خمینی»، **قبسات**، ش ۲۲، زمستان ۱۳۸۰، ص ۹۵-۸۵.
- تقفی، سیدمحمد، «اندیشه سیاسی نائینی»، **حکومت اسلامی**، ش ۳، بهار ۱۳۷۶، ص ۱۲۹-۱۴۶.
- جزایری شریعتمدار، سید نورالدین و غلامحسین مقیمی، «حقوق سیاسی مردم در اندیشه محقق نائینی»، **علوم سیاسی**، ش ۱۰، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۰۲-۱۲۲.
- حائری، عبدالهادی، **تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- سلیمانی، جواد، «جامعه مدنی و میرزای نائینی»، **معرفت**، ش ۵۱، اسفند ۱۳۸۰، ص ۹۶-۱۰۲.
- فراتی، عبدالوهاب، «مروری بر اندیشه سیاسی نائینی»، **حکومت اسلامی**، ش ۱، پاییز ۱۳۷۵، ص ۲۰۸-۲۲۱.
- نائینی از نگاه دانشوران «خاطرات شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء درباره آیت‌الله نائینی»، **حوزه**، ش ۷۶-۷۷، ص ۸۸-۲۶.
- نائینی، محمدحسین، **تنبيه الامة و تنزیه الملة**، تصحیح و تحقیق سیدجواد ورعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- _____، **المکاسب و البیع**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- پی‌نوشت‌ها**
- ۱- سید جمال‌الدین اسدآبادی، آخوند خراسانی، آیت‌الله نائینی، آیت‌الله طباطبائی، آیت‌الله بهبهانی، آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله میرزای شیرازی.
- ۲- جواد سلیمانی، «جامعه مدنی و میرزای نائینی»، **معرفت**، ش ۵۱، اسفند ۱۳۸۰، ص ۹۶-۱۰۲.
- ۳- عبدالوهاب فراتی، «مروری بر اندیشه سیاسی نائینی»، **حکومت اسلامی**، ش ۱، پاییز ۱۳۷۵، ص ۲۰۸-۲۲۱.
- ۴- سیدمحمد تقفی، «اندیشه سیاسی نائینی»، **حکومت اسلامی**، ش ۳، بهار ۱۳۷۶، ص ۱۲۹-۱۴۶.
- ۵- ر.ک: عباس منوچهر آریانپور کاشانی، **فرهنگ دانشگاهی**، ج ۲، ص ۱۵۵۸.
- ۶- عبدالهادی حائری، **تشیع و مشروطیت در ایران**، ص ۱۵۳.
- ۷- «خاطرات شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء درباره آیت‌الله نائینی»، **حوزه**، ش ۷۶-۷۷، ص ۲۹.
- ۸- حمید پارسانیا، «از میرزای نائینی تا امام خمینی»، **قبسات**، ش ۲۲، ص ۸۹.
- ۹- همان، ص ۹۰.
- ۱۰- ر.ک: محمدحسین نائینی، **تنبيه الامة و تنزیه الملة**، تصحیح و تحقیق سیدجواد ورعی، ص ۷۶.
- ۱۱- ر.ک: همان، ص ۸۶، ۸۸ و ۹۰.
- ۱۲- همان، ص ۷۸.
- ۱۳- دو کتاب اخیر، تقریرات درس ایشان است.
- ۱۴- محمدحسین نائینی، **تنبيه الامة و تنزیه الملة**، ص ۷۵-۷۶.
- ۱۵- همو، **منية الطالب**، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۵.
- ۱۶- همو، **المکاسب و البیع**، ج ۲، ص ۳۳۵-۳۳۹، با تلخیص.
- ۱۷- محمدحسین نائینی، **تنبيه الامة و تنزیه الملة**، ص ۱۲۴-۱۲۵.
- ۱۸- همان، ص ۴۷-۴۸.
- ۱۹- همان.
- ۲۰- همان.
- ۲۱- یعنی نظارت مجلس بر قوه مجریه حکومت.
- ۲۲- یعنی نظارت مردم بر مجلس.
- ۲۳- همان، ص ۴۸.
- ۲۴- نظارت بر عملکرد حکومت.
- ۲۵- همان، ص ۴۸-۴۹.
- ۲۶- همان.
- ۲۷- همان، ص ۱۱۳.
- ۲۸- محمدحسین نائینی، **تنبيه الامة و تنزیه الملة**، ص ۸۴.
- ۲۹- همان.
- ۳۰- همان، ص ۶۸.
- ۳۱- همان، ص ۷۵.
- ۳۲- ر.ک: همان، ص ۷۷-۷۸.
- ۳۳- همان، ص ۱۰۷-۱۰۸.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی